

## مؤمنان و حمایت از نیازمندان

### مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که گاه از او به عنوان جانوری که در جامعه زیست می کند و با این زیست استعدادهای خود را شکوفا می سازد و با شکوفا ساختن خود به کمال می رسد، یاد شده. آدمی برای شکوفا ساختن استعدادهای خود در ظرف جامعه نیاز به راهنما دارد تا در پرتو راهنمایی او استعدادهای خود را به طور هماهنگ پرورش دهد. یعنی هم بُعد فردی او رشد کند و هم بعد اجتماعی او، هم بعد عاطفی او رشد کند و هم بعد عقلانی او، هم بعد مادی او رشد کند و هم بعد معنوی او، هم بعد دنیوی خود را پرورش دهد هم بعد اخروی خود را و... . حال اگر انسان تنها یکی از ابعاد وجودی و استعدادهای خود را رشد ندهد تعادل او محفوظ نمی ماند. در نتیجه دچار نقص و نارسایی خواهد شد. این راهنمایی باید توسط کسی انجام شود که انسان را بشناسد و به نیازها و استعدادهای او آگاهی داشته باشد، تا بتواند برنامه ای مناسب با او و استعدادهای او ارائه دهد. این راهنما کسی غیر از انسان آفرین نمی تواند باشد، و آن برنامه چیزی جز آموزه های دینی که به صورت وحی در اختیار او قرار می گیرد نیست. از این رو دین الهی که برنامه هدایت انسان به سوی تکامل است هماهنگ با فطرت وی معرفی شده است. در این تعلیم است که خدای سبحان انسان ها را به کار و تلاش فرا می خواند و از آنها می خواهد با انواع فعالیت ها از قبیل کشاورزی، بازرگانی و تولید نیازهای انسان، به کسب مال بپردازند، تا با این اموال زندگی عزت مندانه داشته باشد و در عین حال سفارش می کند که اموال را در اختیار

کسانی قرار ندهند که چگونگی مصرف کردن آن را نمی دانند، و با سفاقت و بی خردی در مصرف، آن را تباه می سازند، زیرا مال قوام بخش جامعه انسانی است.<sup>۱</sup> اما در عین حال در تعالیم خود، ما را به این برنامه توجه می دهد که با کسب مالی دچار غرور و خودخواهی و تکبر نشوید، بلکه بدانید که این اموال به این عنوان از سوی خدای سبحان در اختیار شما قرار گرفته است که شما به عنوان خلیفه خدا در آن تصرف کنید.<sup>۲</sup> از این رو باید از آن در جهت رفع نیاز دیگران نیز استفاده کنید، و از آن در جهت حمایت از نیازمندان بهره برداری نمائید.

بر این اساس در قرآن از مؤمنان خواسته است با اموالشان در راه خدا جهاد کنند، چنانچه با جان خود جهاد می کنند. و همچنین از آنها خواسته است که این اموال را در راه خدا انفاق کنند و با این انفاق نیازهای نیازمندان را برطرف کنند. قرآن کریم خطاب به مؤمنان می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾<sup>۳</sup>: ای کسانی که ایمان آورده اید، از آن چه به شما روزی دادیم، انفاق کنید، پیش از آن که روزی فرارسد که در آن نه داد و ستدی هست تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید، و نه دوستی (و رفاقت های مادی سودی دارد) و نه شفاعت (زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود) و کافران خود ستمگرند (هم به خودشان و هم به دیگران ستم می کنند).

این آیه از مؤمنان خواسته است تا آن چه خدا به آنها روزی داده است در راه خدا انفاق کنند و

---

۱. سوره نساء، آیه ۵

۲. سوره حدید، آیه ۷

۳. سوره بقره، آیه ۲۵۴

چون برخی از مغروران به مال و جاه دچار توهم شده و آخرت را بر فرض قبول، همسان دنیا می‌پندارند و خودشان را چون در دنیا در ناز و نعمت می‌بینند، می‌پندارند که در عالم آخرت نیز متنعم خواهند بود.

در این آیه به آنها توجه می‌دهد که در آن عالم، عوامل و اسباب اعتباری و قراردادی نقشی ایفا نمی‌کند. ممکن است انسان در دنیا نیاز خود را با عمل خود برطرف نماید و اگر توان کار ندارد ولی خویشاوندان او نیازهایش را برطرف می‌کنند، و یا دوستی مشکل او را حل می‌کند هرچند با او پیوند خویشی ندارد و گاهی با درخواستی از بزرگی برای بخشش و گذشت میانجی‌گری می‌طلبند، اما در عالم قیامت این نظام بر چیده می‌شود، نه اسباب و علل کارگشاست تا انسان بتواند با عمل و کشت و کار خود، در آنجا نیازش را برطرف کند و نه قراردادهای اجتماعی و نه دوستی با افراد وجود دارد، و نه می‌توان به انتظار افراد میانجی نشست تا شفاعت کنند. بلکه در دنیا باید به فکر آخرت بود و از راه انفاق آن چه که خدا روزی می‌دهد زمینه نجات خود را فراهم کند.

انفاق به اندازه ای مهم است که اگر کسی خود را از آن فضیلت محروم کند دچار کفر عملی می‌شود، یعنی در برابر خدا ناسپاسی کرده و در نتیجه هم به خود ظلم کرده است و هم به دیگران.

با توجه به این که انفاق از برنامه های اساسی مؤمنان در قرآن کریم است، این کتاب مقدس برای آن چه انفاق می‌شود و نیز برای انفاق کننده، شرائطی را ذکر می‌کند که این شرائط و ویژگی ها به کیفیت و احیاناً به کمیت آن مربوط می‌شود. در انفاق ارکانی چون مال و انفاق کننده و مورد انفاق و عمل انفاق سخن به میان می‌آید. بنابراین؛ اینکه مالی که انفاق کننده به دیگران می‌دهد چه ویژگی هایی دارد و انفاق کننده چه ویژگی دارد و عمل انفاق چه خصوصیتی دارد و به چه کسانی می‌توان انفاق

کرد، باید بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) تبیین شود.

## اوصاف حقیقی و اعتباری مال

مال از ارکان انفاق، و دارای اوصاف حقیقی و اعتباری است. وصف اعتباری مال برگرفته از ارتباط آن با مالک است، از جهت ارتباط مال با مالک، مهم ترین شرطی که وجود دارد این است که تصرف در این مال باید حلال باشد و حرام نباشد، ولی اوصافی چون خوب و بد بودن، طیب و خبیث بودن، مرغوب و نامرغوب بودن، از اوصاف حقیقی مال است. از این رو قرآن کریم فرمود است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾؛<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید از قسمت پاکیزه اموالی که به دست آورده اید و از آن چه از زمین خارج ساخته ایم، انفاق کنید و برای انفاق به سراغ قسمت های ناپاک نروید در حالی که خود شما حاضر نیستید آنها را بپذیرید، مگر از روی اغماض و کراهت، و بدانید که خدای سبحان بی نیاز و شایسته ستایش است.

این آیه به مؤمنان می گوید از مالی مرغوب انفاق کنید خواه انفاق واجب باشد یا انفاق مستحب. اموال مرغوبی که انسان کسب می کند ممکن است از راه تجارت بدست آمده باشد و ممکن است از راه کشاورزی و دامداری یا استخراج از معدن باشد.

## سرّ انفاق از مال مرغوب

راز این که باید از مال مرغوب و پاکیزه انفاق کرد عبارت است از:

---

<sup>۱</sup> . سوره بقره، آیه ۲۶۷

۱. به لحاظ این که صدقه و انفاق نوعی هدیه است و هدیه با دادن مال بد سازگار نیست.

۲. انفاق از مال نامرغوب با هدف انفاق سازگار نیست، زیرا هدف انفاق بر اساس آموزه قرآن

تقرّب به خداوند و کسب رضای الهی و تثبیت نفس<sup>۱</sup> و درمان بیماری بخل و درمان فقر عمومی بدون آزردن عواطف افراد است، و این هدف تنها با انفاق مال خوب و پاکیزه به دست می آید.

۳. حفظ کرامت گیرنده انفاق، کسی که انفاق می کند باید کرامت گیرنده را حفظ کند. حفظ کرامت

گیرنده به این است که از مال مرغوب انفاق کند در غیر این صورت به روحیه او آسیب رسانده است.

## ملاک تشخیص مال نامرغوب

ملاک سنجش مال نامرغوب از مرغوب چیست؟ آیا ملاک مادی دارد یا ملاک معنوی؟ با توجه به این

که وسیله سنجش هر چیزی مناسب امور معنوی با نفسانیات و وجدانیات است. از باب مثال در باب

انفاق می گویند: شما خودتان را معیار قرار دهید و بنگرید که آیا خودتان به این مال رغبت دارید؟ زیرا

حقیقت شما و دیگران یکی است. اگر خودتان نسبت به آن مال رغبت ندارید به دیگران نیز ندهید، زیرا

آنچه که برای شما ناگوار است برای دیگران نیز ناگوار و ناخوشایند است، پس هرچه را برای خود نمی

پسندید به دیگران هم ندهید. چنان چه فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا

أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ﴾؛ برای انفاق

---

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۵

به سراغ اموال ناپاک و نامرغوب نروید در حالی که خود شما حاضر نیستید آن را جز از راه کراهت بپذیرید. این جمله هم ملاک تشخیص مال خبیث را ارائه می کند و هم به انسان ها درس تهذیب نفس می دهد.

## ویژگی های عمل انفاق

عمل انفاق مانند دیگر اعمال انسانی و دینی، شرایطی دارد که انفاق کننده باید به آن توجه کند. یکی از شرایط عمل انفاق این است که باید مخلصانه باشد و پس از عمل نیز نباید منت برگیرنده انفاق را در پی داشته باشد. قرآن کریم فرمود: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه یکصد دانه باشد، و خداند آن را برای هر کسی که بخواهد، دو یا چند برابر می کند، و خداوند وسیع و دانا است.

در این آیه به شرط اول انفاق یعنی «فی سبیل الله» و «با اخلاص» بودن اشاره می کند و آثار معنوی مترتب بر انفاق را متوقف بر وجود این شرط می داند و می فرماید: انفاقی ثمر دارد که «فی سبیل الله» باشد و این عمل خالصانه مانند پاشیدن بذر بر زمین مستعد و آماده است که نتیجه هر دانه آن هفتصد دانه خواهد بود، و در واقع این دانه پرثمر خواهد بود.

## راز تشبیه انفاق به دانه پر ثمر

قرآن حکیم که برای تعلیم و تزکیه نازل شده، اهتمامی به پرورش انسان های کامل و یا متکامل

---

<sup>۱</sup>. سوره بقره، آیه ۲۶۱

دارد. از این رو تنها به طرح مسائل و ارائه راه کارها بسنده نمی کند، بلکه ضمن حفظ عنصر اصلی مطلب مورد نظر، راهیان و واصلان را نیز از نظر دور نمی دارد، در آیه مورد بحث خدای متعال مثل مؤمنان انفاق کننده را به حبه و دانه ای که هفتصد برابر یا بیشتر ثمره می دهد تشبیه نموده است. زیرا غرض، تربیت انفاق کننده است نه فقط تعلیم انفاق.

## منت بر گیرنده انفاق و آزار او، عامل تباهی انفاق

در آموزه های قرآن انفاقی ارزشمند و پرتمر است که پس از انفاق نیز علاوه بر اخلاص حین عمل، منت و آزار گیرنده انفاق را به دنبال نداشته باشد، قرآن کریم در این رابطه فرمود: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند سپس به دنبال انفاقی که کرده اند منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آن ها نزد پروردگارشان است و نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند، گفتار پسندیده در برابر نیازمندان و عفو و گذشت از آنها، از بخششی که آزاری را به دنبال داشته باشد بهتر است، و خداوند بی نیاز و بردبار است.

از قرآن کریم استفاده می شود: اولاً انفاقی ارزشمند است و اجر و پاداش الهی را به دنبال دارد که برای رضای خدا باشد. و ثانیاً به لحاظ این که عمل صالح در صورتی نتیجه بخش است که با همان خلوص باقی بماند و حفظ خلوص عمل بر عهده عامل است، زیرا تنها اوست که می تواند آن را حفظ کند و می تواند آن را تباه سازد. چنان که اگر انسان پس از توحید به شرک روی آورد این شرک باعث

---

<sup>۱</sup>. سوره بقره، آیه ۲۶۲

تباهی و بی اثر شدن اعمال گذشته می شود.

توضیح آن که برخی از گناهان در عین بزرگ بودن قلمرو و تاثیر آنها، محدود هستند؛ مانند ریا و سمعه (یعنی انجام دادن اعمال بقصد نشان دادن به دیگران یا برای این که به گوش دیگران برسد که فلان شخص عملی را انجام داده است) حضور ریا و سمعه در متن عمل، سبب بطلان آن عمل است ولی حدوث آن، بعد از عمل مایه بطلان عمل نخواهد شد. اما برخی اعمال هستند که هرچند بعد از عمل واقع شود مایه بطلان عمل خواهد بود. مانند منت گذاشتن و اذیت کردن که حدوث آن ها بعد از عمل هرچند دراز مدت باشد باعث بطلان عمل می شود و این اثر گذاردن، به خاطر آن است که اهانت به انسان مورد احترام و تزییع شخصیت حقوقی او، از اهمیت برخوردار است.

منت گذاشتن نسبت به انفاق گیرنده به معنای به رخ کشیدن نعمت است، خواه فرد باشد و خواه جامعه و اذیت و آزار رساندن نیز چنین است.

## راز ناسازگاری انفاق با منت و آزار رساندن

انفاق به جهت طاعت بودن، محبوب خداوند و از نظر بخل زدایی، محمود و به لحاظ سودمندی آن برای مستحق، معروف و مطلوب است. ولی منت گذاشتن و اذیت کردن اگر با انگیزه برتری جویی و تحقیر دیگران صورت گیرد مبعوض خداوند است، و اگر به لحاظ بزرگ شمردن عمل و به رخ کشیدن آن است، سبب پدید آمدن رذایلی مانند عجب و غرور خواهد بود، و اگر منت و آزار سبب آزار انفاق گیرنده و برهم زنده آرامش او باشد، نامطلوب خواهد بود.

پس انفاق به عنوان حسنه، محبوب خدا و پسندیده و معروف است. ولی منت و اذیت کردن به عنوان سیئه، مبعوض خدا و ناپسند و از رذایل خواهد بود، از این رو با هم ناسازگارند.



## جایگاه قول معروف و مغفرت از سوی انفاق کننده

قول معروف از سوی انفاق کننده در جایی است که نیازمند در درخواست خود ادب را رعایت کرده و طرف مقابل را نرنجانند. ولی مغفرت در موردی است که نیازمند با اصرار یا گفتار و کردار ناپسندش انفاق کننده را برنجانند و او با بردباری از بدرفتاری این نیازمند جسور چشم پوشی کند، پس آن که قصد انفاق ندارد، شایسته است با سخن و کردار پسندیده، نیازمند را بازگرداند و در صورت رنجیدن از او با گذشت برخورد کند، و از دادن صدقه ای که همراهش نیازمند را می آزارد پرهیز کند.

بر اساس آیه مورد بحث آدمی نه تنها باید از منت گذاشتن و آزردن نیازمند پرهیز کند بلکه باید مصلحت از دست رفته صدقه را با مصلحت برتری که در قول معروف و مغفرت هست جبران کند. زیرا معروف و مغفرت از مصادیق انفاق معنوی و مصرف آبرو و گذشتن از حق است.

ناگفته نماند که قول معروف و حسن گفتار از اصول کلی حسن معاشرت با دیگران است یعنی باید نسبت به همه انسان ها خوشگفتار بود و اگر در درون نظام اسلامی برخورد و بد رفتاری میان مسلمانان رخ دهد، اصل کلی آن است که دو طرف باید کوشش کنند تا بدی و دشمنی را از بین ببرند.

## آزار همتای با ریا

انسان مؤمن همانطور که در حال انفاق باید اخلاص داشته باشد و از منت گذاشتن و رنجاندن افرادی که به آنها انفاق می کند، پرهیز کند بلکه بعد از عمل نیز نباید خدمتی که نسبت به کسی انجام داده، بر او منت بگذارد و او را برنجانند، زیرا در این صورت عمل او، بی اثر می شود. مراد از بی اثر شدن عمل، زوال و از بین رفتن اجر و مزد و برکات اعمال صالح است. از این رو قرآن کریم فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

الْآخِرِ فَمَنْ لَّهُ كَمَنْ لِحَصْبَانِهِ تَرَابٌ فَأَصَابُهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ<sup>۱</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بخشش های خود را با منت و آزار باطل نسازید، همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کند و به خدا و روز جزا، ایمان نمی آورد کار او همچون قطعه سنگی است که بر آن خاک باشد (و بذرهایی بر آن افشاندن شود) و رگبار باران به آن برسد و آن را صاف و خالی از خاک و بذر رها کند، آنها از کاری که انجام داده اند چیزی به دست نمی آورند و خدا جمعیت کافران را هدایت نمی کند.

بر اساس این آیه خدشه دار کردن حیثیت نیازمند و آزار او در حدّ ریا است و ریا، شرکت به خدا است. ریا، شرکی رقیق و خفی است و اذیت مستمند که فشار روحی را بر فشار مالی او می افزاید دارای پیامدهای بدتر و در حد ریا است.

ریا تنها به معنای انجام دادن علنی عمل یا نشان دادن آن به دیگران نیست، بلکه تظاهر به اخلاص در عمل با هدف جلب نظر مردم و کسب شهرت، نیز نوعی ریا است. زیرا نوع نگاه ریا کار به نظام هستی نادرست است. او به جای آن که خدا را تنها مؤثر مستقل در امور بداند، نظر مردم را دارای اثر استقلالی می پندارد و به جای آن که فقط از خدا بترسد، خوف از مردم او را وادار به عمل می کند. ریاکار به جای واقع بینی و خدا محوری، ظاهر بین و مردم محور است. اما خداگرایی با مردم گرایی هرگز با هم جمع نمی شود.

---

<sup>۱</sup>. سوره بقره، آیه ۲۶۴

## قلمرو تحقق منت و اذیت و ریا

منت و اذیت و ریا، در صورتی تحقق پیدا می کند که انسان حُسن فعلی داشته باشد، یعنی کار خوب و شایسته انجام دهد ولی مشکل در حسن فاعلی باشد. یعنی انجام دهنده، کار خوب و صالح را با انگیزه منت و اذیت و ریا انجام دهد. اما اگر انسان اصلاً کاری انجام ندهد و یا کار زیان بار انجام دهد، از باب این که کار زیان بار انجام داده مشکل پیدا می کند، نه از جهت آزار رساندن به دیگران و یا تظاهر کردن به کار. به عبارت دیگر؛ این که انسان کار صالح را با انگیزه منت گذاشتن یا آزار رساندن و یا ریا و تظاهر انجام دهد مصداق آیه است. از این رو در تعالیم اسلامی تأکید شده است که انفاق باید احترام آمیز باشد.

ائمہ اطہار (ع) هنگام تصدق و انفاق گاهی کالای مورد انفاق را و زمانی نیز دست خود را می بوسیدند و می بوئیدند؛ امام صادق (ع) به مُعلی بن خنیس فرمودند: «كَانَ أَبِي إِذَا تَصَدَّقَ بِشَيْءٍ وَضَعَهُ فِي يَدِ السَّائِلِ ثُمَّ ارْتَدَّهُ مِنْهُ فَقَبَّلَهُ وَ شَمَّهُ ثُمَّ رَدَّهُ فِي يَدِ السَّائِلِ»؛ پدر من هرگاه صدقه می داد اول آن را در دست سائل قرار می داد و سپس آن را می گرفت و می بوسید و می بوئید و سپس آن را به سائل بر می گرداند. آنان معتقد بودند انفاق وظیفه ای است که باید همراه با احترام و ادب صورت گیرد.

اگر بینش کسی این باشد که اصل در انفاق، انفاق تادبی و احترام آمیز است نه دلسوزی تحقیر آمیز، با فقیران کریمانه رفتار می کند. سرّ آن که اهل بیت دست خود را می بوئیدند و می بوسیدند، آن است که آنها مسکین را فرستاده خدا می دانستند. پس فرد و جامعه فقیر فرستاده خدا و رساننده پیام اوست که به

---

<sup>۱</sup>. الکافی، ج ۴، ص ۹

فرمان خدا به ما انفاق کنید، پس باید انفاق احترام آمیز باشد و چون انفاق پیش از رسیدن به دست فقیر به دست خدا می رسد، آن دست را باید بوسید و آن مال نیز متبرک می شود.

## آثار و برکات انفاق

انفاق دارای آثار و برکاتی است که توجه به آن برای انفاق کننده لازم است، آن برکات عبارتند از:

### الف: پاکسازی انسان و پیرایش مال

اعطاء زکات خواه واجب، خواه مستحب و زکات فطره، برای پاک ساختن انفاق کننده و مال اوست. از این رو خدای سبحان به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: از مؤمنان صدقه اموالشان را بگیر تا آنان را پاک کند: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾<sup>۱</sup>؛ یعنی صدقه دادن، انفاق کننده را پاکیزه می کند. بنابراین پرداختن حق الله یا حق الناس، سبب آلودگی روحی انسان می شود و پرداخت آن روح را پاک می کند.

### ب: پرورش روح

زکات، هم مایه تطهیر انسان است و هم زمینه ساز رشد و نمو اوست؛ ﴿الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى﴾<sup>۲</sup>؛ آن که مالش را انفاق کند تا روحش پرورش یابد.

### ج: انفاق، تنها راه درمان مال دوستی

خدای سبحان از هر راه ممکن، بیماری خطرناک مال دوستی را به بشر می شناساند، و با موعظه یا برهان و یا جدال احسن، و گاهی از راه تهدید یا تشویق انسان را به اصلاح و درمان آن فرا می خواند،

---

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۳

۲. سوره لیل، آیه ۱۸

گاه می فرماید: ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۱</sup>؛ در راه خدا انفاق کنید و با دستان خود، خود را به هلاکت نیاندازید. بر این اساس اگر کسی مال خود را در راه خدا انفاق نکند، در راه باطل مصرف خواهد کرد. حتی امساک و خودداری از انفاق کار باطلی است و گناه به شمار می رود. لذا گاهی هشدار می دهد که اموال و اولاد، شما را از یاد خدا باز ندارد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾<sup>۲</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال و فرزندان شما، شما را از یاد خدا باز ندارد.

گاه می فرماید برای درمان بیماری مال دوستی که مانع هر چیز و زمینه ساز نفاق است، انفاق کنید: ﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَقَ وَأَكُنُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾<sup>۳</sup>؛ از آن چه به شما روزی داده ایم انفاق کنید پیش از آن که مرگ یکی از شما فرارسد و بگویند: پروردگارا چرا مرگ مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا در راه خدا صدقه دهم و از صالحان باشم.

انسان نباید مانند قارون بیاندیشد که اموال را خودش فراهم آورده، در حالی که اموال را خدا به او روزی داده است.

## نتیجه گیری

یکی از برنامه های مؤمنان حمایت از نیازمندان است که یکی از جلوه های آن انفاق کردن است.

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۵

۲. سوره منافقون، آیه ۹

۳. سوره منافقون، آیه ۱۰

این عمل باید با شرایط و آداب ویژه خود انجام شود، انفاقی ارزشمند است که اولاً از مال پاکیزه باشد و ثانیاً با اخلاص و در راه خدا باشد و ثالثاً همراه با آن یا پس از انجام آن، منت گذاشتن و اذیت کردن نسبت به گیرنده انفاق، رخ ندهد. در غیر این صورت عمل باطل و بی اثر می شود و پاداشی را بهره انفاق کننده نمی کند. عمل انفاق آثاری برای فرد و جامعه دارد؛ آثار فردی آن، تزکیه نفس و پاکسازی انسان و پرورش روح او و مبارزه با روحیه مال دوستی است، و آثار اجتماعی آن پرکردن خلأ اجتماعی و رفع نیازِ نیازمندان و حمایت از آنها است.